

# عید آمده

## بهاران خواهند آمد

### کام تلخ را

### شیرین کنیم!

زمستان سرد تر از سرد امسال گذشت. زمستان سرد سیاسی در ایران نیز خواهد گذشت. روزگار تلخی است، اما تردید نیست که تاریخ، این حاکمیت را نیز پشت سر خواهد گذاشت و آنچه از رفتار روحانیون و مذهب‌یون حاکم برجای می ماند، همان مبنای قضاوت آیندگان و شاهدان خواهد بود. آنها که با ادعای تعهد به رای مردم، برپائی حکومت مستضعفان، مخالفت با ساواک شاهنشاهی و منتقد استبداد سلطنتی و با شعار جمهوری، این آرزوی یکصد ساله مردم به میدان آمدند و گام به گام نظام گذشته را احیاء کردند. نه آن ماند و نه این می ماند، مگر نگاهی دوباره به سراپای خویش کنند و توان بازگشت از راه رفته را در خویش بیابند. هیچ توپ و تانک و موشک و کلاهک اتمی ضامن بقای حکومتی که مردم آن را نخواهند نیست، که اگر بود، نادر شمشیر زن، صفویه گردن زن، رضاخان و قزاق هایش و شاه و ارتشش باقی مانده بودند. سنگر مذهب و بازی با اعتقادات دینی مردم نیز ضامن بقای حکومت ها نیست، که اگر بود امپراطوری ساسانیان و با شاهان و موبدان حاکم با آن همه جلال و جبروت و سپاه آن باقی می ماند، شیعیان صفوی بر پادشاهان و روحانیون سنی حاکم در ایران غلبه نمی کردند و...

می خواهیم بنویسم: کامتان را در این بهار و نوروزی که در پیش است تلخ نگه ندارید. انتخاباتی و مجلسی شه فرموده را روی دست ملت گذاشتند، اما غصه نخورید خواهید دید که همین مجلس هم به کانون کشاکش های حکومتی تبدیل خواهد شد. یک "گل" شیرینی به دهان بگذارید و همراه با نرگس دیده خود را به روی بهار باز کنید. تاریخ ایران از این جنتی ها و خامنه ای ها، مصباح یزدی ها و احمدی نژاد ها و بازی های آنها و بسیاری بازی های دیگر سیاسی را بسیار به خود دیده است. بیائید با هم به شیراز برویم. بهار را آنجا با هم جشن بگیریم. رحمان هاتفی را با هم با خود ببریم تا بر ایمان از شیراز و بهار زمزمه کند. انسانی به غایت شریف و ایران دوست که در تیرماه ۱۳۶۲ و در همان زندان توحیدی که امروز موزه عبرت شده اما خود حاکمان از آن باید عبرت بگیرند و نه مردم، تیغ بر گلوی کشیدند و سرخ ترین گل ها از خاکش خواهد روئید. به شیراز برویم و شاهد فالی که در بالا برایتان گرفتیم را از دیوان حافظ بخوانیم:

بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر  
بار دگر، روزگار چون شکر آید.